



تهاتر دیون متوفی با دیه ناشی از قتل وی توسط طلبکار



دکتر مرضیه زکی زاده
کارآموز وکالت

چکیده

گاهی در اجرای احکام مدنی دادگاه‌ها، مشکلاتی راجع به تهاتر به وجود می‌آید و قضات محترم در مقام اجرای رأی ناتوان می‌مانند. از جمله این مشکلات، تهاتر دیون متوفی با دیه ناشی از قتل وی توسط طلبکار است که در این تحقیق، پس از دستیابی به فلسفه تقنینی و تشریحی تهاتر - که فایده تأمین آن است - و پس از اثبات این امر که ترکه واجد شخصیت حقوقی است و دیه نیز جزء ماترک محسوب می‌گردد، به این مهم دست می‌یابیم که با حصول سایر شرایط تهاتر، در لحظه فوت، ابتدا تهاتر رخ می‌دهد و اگر پس از تهاتر چیزی از دیه باقی بماند داخل در ماترک خواهد گردید.

مقدمه

تهاتر از جمله اسباب سقوط تعهدات^۱ به شمار می‌رود و عبارت است از لغو تعهد به دلیل بدهکار بودن دو طرف معامله به یکدیگر. تهاتر در حکم تأدیه دین و ایفای

۱. ماده ۲۶۴ قانون مدنی.



تعهد است؛ زیرا با تحقق آن، بستانکار به حق خود می‌رسد و ذمهٔ بدهکار نسبت به دین بری می‌گردد.^۲

هرچند از منظر قانون ایران، تهاتر از جمله اسباب سقوط تعهدات محسوب می‌گردد، اما به نظر می‌رسد تهاتر در واقع اجرای هر دو تعهد است، نه سقوط آن‌ها. چراکه هر طلبکار با از دست دادن حقی، ارزش معادل آن را تحصیل نموده و از بار تعهد او کاسته می‌شود. به این مفهوم که ابتدا هر دو تعهد اجرا می‌شود و بر این اساس، تساقط تعهد، اثر معالواسطهٔ تهاتر است.^۳

مبحث تهاتر در اجرای احکام، همواره مورد چالش‌هایی برای قضات اجرای احکام در موضوعات ترکه و ورشکستگی بوده است. از جمله مشکلاتی که در اجرای احکام مدنی در خصوص تهاتر رخ می‌دهد، تهاتر دیون متوفی با دیهٔ ناشی از قتل وی توسط طلبکار است و این امر معمولاً در صورتی رخ می‌دهد که در حکم واحد صادره در دادگاه، تهاتر دو دین نیز مورد حکم قرار نگرفته باشد. اکثر قضات اجرای احکام در این حالت بر این باورند که تهاتر رخ نمی‌دهد، چراکه دیه وارد ماترک می‌گردد و وثیقهٔ طلب تمام طلبکاران متوفی می‌باشد.

این بحث و چالش‌های راجع به آن از آنجا نشأت می‌گیرد که یک نفر بر اثر سانحه‌ای (عمدتاً سوانح رانندگی) فوت می‌نماید که در آن سانحه شخص متوفی نیز خساراتی بر مقصر حادثه وارد نموده است. متعاقب رسیدگی قضایی، مقصر فوت به جبران دیهٔ متوفی محکوم می‌گردد و متوفی (ترکهٔ متوفی یا ورثهٔ متوفی) نیز به پرداخت خسارات طرف حادثه محکوم می‌گردد. حال مسئلهٔ اساسی اینجاست که آیا این دو محکومیت، در صورت حصول شرایط عمومی تهاتر، با یکدیگر تهاتر می‌گردند یا نه؛ طرف حادثه باید دیهٔ متوفی را پرداخت نماید و برای دریافت خسارات خود، در ردیف سایر طلبکاران متوفی قرار گیرد و به نسبت طلب خود سهمی ببرد^۴ و اگر متوفی مالی نداشته باشد و دیهٔ او نیز صرف پرداخت دیون ممتاز گردد، از دریافت

۲. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، ص ۱۱۵.

۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، نظریهٔ عمومی تعهدات، ص ۲۸۲.

۴. مطابق مادهٔ ۲۲۲ قانون امور حسبی.



خسارات خود محروم گردد. در این راستا لازم است ابتدا چالش‌های مربوط به تهاتر در اجرای احکام مورد بحث قرار گیرد و سپس وارد قسمت اصلی بحث خواهیم شد.

۱- چالش‌های تهاتر در اجرای احکام

گاهی تهاتر موجب اولویت و تقدم طلبی بر سایر دیون بدهکار می‌گردد؛ به این صورت که مدیون فوت می‌کند و وارثان ترکه را رد می‌کنند و باید آنچه از مدیون به جا مانده است در میان طلبکاران تقسیم شود. در این فرض، اگر هیچ‌یک از طلب‌ها بر آن‌ها رجحان نداشته باشد و ترکه کفایت پرداخت تمام طلب‌ها را نکند، قاعده این است که طبق ماده ۲۲۲ قانون امور حسبی، ترکه به نسبتی که طلب‌ها باهم دارد، بین طلبکاران تقسیم شود. ولی اگر یکی از طلبکاران معادل حق خود به متوفی بدهی پیدا کند، در اثر تهاتر به تمام طلب خود می‌رسد. به عقیده برخی حقوق دانان، این فرض نادر است و فرض مسئله محدود به موردی می‌شود که طلبکار از متوفی صدمه‌ای به اموال او می‌زند و دین ناشی از آن با طلب از ترکه در یک دارایی روبه‌رو می‌گردد. با وجود این، «در چنین مواردی نیز پرهیز از تهاتر ناروا رجحان دارد؛ زیرا با مرگ بدهکار، حق طلبکاران بر ترکه تعلق می‌گیرد و وثیقه آن است. بدهی به ترکه نیز بر این وثیقه جمعی می‌افزاید و با طلب یکی از صاحبان حق تهاتر نمی‌شود.»^۵ به نظر می‌رسد این مسئله یکی از رایج‌ترین چالش‌های موجود در اجرای احکام است.

۲- شخصیت حقوقی ترکه

وقتی که تصفیه ترکه انجام گیرد و وصایا از آن خارج گردد، هرچه از ترکه باقی می‌ماند متعلق به وراثت است و در آن بحثی وجود ندارد. اما پیش از تصفیه یا در جریان تصفیه، ماهیت حقوقی ترکه مشخص نیست؛ چراکه از یک طرف مورث فوت نموده و رابطه وی با دارایی‌اش قطع شده است و از سوی دیگر، مالکیت وارثان هم

۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، ص ۲۵۵.



هنوز استقرار نیافته است؛ چرا که ممکن است پس از تصفیه ترکه چیزی از آن نماند که به ورثه برسد.

قانون مدنی نیز به این ابهام در مورد ماهیت حقوقی ترکه دامن زده و از یک سو در ماده ۸۲۷ اعلام نموده است که ارث با مرگ مورث تحقق می‌یابد و از سوی دیگر در ماده ۸۲۸ مقرر نموده است که «مالکیت ورثه نسبت به ترکه متوفی مستقر نمی‌شود، مگر پس از ادای حقوق و دیونی که به ترکه تعلق گرفته.»

حقوق دانان نیز در مورد این «مالکیت نامستقر» به دو صورت اظهار نظر نموده‌اند: برخی آن را به معنای مالکیت متزلزل، مالکیت برگشت پذیر و ناپایدار تلقی نموده‌اند،^۶ و برخی دیگر آن را مالکیت موقوف و مراعی دانسته‌اند.^۷ اما راه حل منطقی در این مورد، شناخت شخصیت حقوقی برای ترکه است که به عقیده برخی از حقوق دانان^۸، مبنای منع وارثان از تصرف در میراث تحقق یافته نیز وجود همین شخصیت حقوقی است که مدیر و اقامتگاه و دارایی و دیون ویژه خود را دارد و باین همه، از نظرها پنهان مانده است. به عقیده این دسته از حقوق دانان، مشهور فقیهان^۹ نیز به چنین موجودی پی برده بودند، منتها چون وسیله‌ای برای بیان نداشتند، ترکه را در حکم مال میت می‌شمردند تا سایه شخصیت فرضی و مجازی متوفی جانشین آن شود و اشکال مالکیت در حال گذر ترکه را پیش از پیوستن به دارایی وارثان حل کند.

ولی امروزه دیگر نیازی به استعاره و مجاز پیشین نیست. بدین ترتیب تعارض‌ها از بین می‌رود و ارث با مرگ مورث تحقق می‌یابد. منتها آنچه به وارثان انتقال یافته، آورده قهری آنان در شخصیت حقوقی و جزئی از دارایی آن است. وارثان نیز مانند هر شریک دیگر، تا زمانی که شرکت منحل نشده است، حق تصرف در سهم خود را ندارند و استقرار و کمال مالکیت آن‌ها منوط به انحلال شخصیت حقوقی است. این حقوق دانان شخصیت حقوقی ترکه را به عنوان یک واقعیت خارجی و نه ضرورت

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ارث، ص ۵۳.

۷. حسینی عاملی، محمدجواد، مفتاح الکرامه، ج ۸، ص ۸۹.

۸. کاتوزیان، ناصر، درس‌هایی از شفعه، وصیت و ارث، ص ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹.

۹. برای دیدن نظر مشهور و منابع نظرات آن‌ها، ر.ک. کاتوزیان، همان، ص ۲۲۵.



نظری می‌پذیرند. فرض شخصیت حقوقی برای ترکه و اینکه آنچه به وارثان انتقال یافته آورده قهری آنان در شخصیت حقوقی و جزئی از دارایی آن باشد، بهترین وصف ممکن برای توجیه و جمع بین مواد ۸۲۷ و ۸۲۸ قانون مدنی است. مواد ۸۲۸ و ۸۲۹ قانون مدنی و ماده ۲۲۲ قانون امور حسبی نیز به خوبی نشان می‌دهد که ترکه دارای دیون و مطالبات خاص و مستقل است.

قانون برای ترکه قبل از تصفیه، مدیر پیش‌بینی نموده است. این مدیر ممکن است اداره تصفیه محل (ماده ۲۲۳ قانون امور حسبی) یا وصی متوفی باشد (ماده ۲۲۴ قانون امور حسبی). مدیر مزبور در حکم نماینده شخصیت حقوقی است که به نام و برای او اقدام می‌نماید و دعاوی به طرفیت وی اقامه می‌گردد (مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون امور حسبی).

البته در فرضی که متوفی دیون و وصایایی نداشته باشد، برخی معتقدند ترکه به صورت قهری به ملکیت ورثه درمی‌آید و در این صورت، وضع مالکیت ترکه روشن است، که بدون مالک (شخص) نیست.^{۱۰} باید گفت در این فرض هم هرچند برای مدت بسیار کوتاهی باشد، شخصیت حقوقی ترکه تشکیل می‌شود، چراکه اگر متوفی دیون و وصایایی نداشته باشد، به طور حتم، هزینه کفن و دفن دارد و اگر فقط برای کسر نمودن این هزینه هم باشد، باید شخصیت حقوقی ترکه، هرچند برای مدت کوتاهی، تشکیل گردد. بنابراین ترکه شخصیت حقوقی دارد و بحث تهاتر دیون متوفی را می‌توان گونه‌ای از تهاتر در ترکه قلمداد نمود.

۳- تهاتر دیه متوفی با خسارات وارده توسط متوفی

زمانی که یک نفر در اثر سانحه‌ای فوت می‌نماید، اما در این سانحه شخص متوفی نیز باعث ورود خساراتی به عامل ایجاد سانحه گردیده است. در پی اقامه دعوا توسط طرفین و انجام بررسی‌های قضایی و کارشناسی، نهایتاً در رأی قضایی واحد (یا حتی متعدد) حکم به پرداخت دیه متوفی توسط قاتل و نیز حکم به پرداخت خسارات

۱۰. کاتوزیان، همان، ص ۲۳۲.



عامل سانحه از اموال متوفی صادر می‌گردد. قاضی دادگاه به علت عدم تقاضای طرفین یا وکلای آنها یا عدم اعتقاد به تحقق تهاتر در مورد حاضر، تهاتر دو مبلغ را اعلام نمی‌نماید و پرونده با همین وضعیت به اجرای احکام مدنی ارسال می‌گردد. حال آیا باید عامل حادثه دیه متوفی را بپردازد و سپس برای دریافت خسارات خود در صف طلبکاران متوفی وارد گردد یا خیر؟

بین این دو دین، تهاتر واقع شده است و عامل فوت متوفی صرفاً باید در صورتی که خسارات وارده بر وی کمتر از دیه متوفی باشد، مابه‌التفاوت این خسارات و دیه متوفی را پرداخت نماید. اگر خسارت وارده بر عامل فوت بیشتر از دیه متوفی باشد نیز، در صورت قائل بودن به تحقق تهاتر باید گفت که دیه که کمتر از خسارت است، تهاتر می‌شود و لازم نیست چیزی به مدیر تصفیه متوفی پرداخت گردد و زیان دیده باید برای مابقی خسارت خود، در ردیف طلبکاران متوفی قرار گیرد. برای یافتن پاسخ این مسئله باید دید آیا دیه متوفی جزء ترکه محسوب می‌گردد یا خیر. مسئله اصلی اینجاست که دیه متوفی در حین فوت در ملکیت وی نبوده، بلکه پس از فوت وی مستقر می‌گردد که در آن زمان دیگر متوفی اهلیتی برای دارا شدن و مالک شدن دیه ندارد. حال مسئله این است که آیا این دیه در ترکه وارد می‌گردد یا خیر. این امر یکی از مسائلی است که همیشه محاکم قضایی با آن درگیر بوده‌اند و آرای ضد و نقیض فراوانی هم در این زمینه صادر شده است. در این زمینه در مستندات فقهی و فتاوی ابراز عقیده شده است. به عنوان نمونه، مرحوم فاضل هندی می‌فرماید: «دیه در نزد ما امامیه (شیعه) در حکم مال میت است، اگرچه بعد از مردن میت به وجود می‌آید، دیون میت و اجرای وصایای ایشان را می‌توان از محل دیه پرداخت کرد.»^{۱۱} نظرات مشورتی متعددی نیز در این زمینه وجود دارد که برای پرهیز از اطاله کلام، از ذکر آنها خودداری می‌گردد.^{۱۲}

۱۱. والذیة عندنا فی حکم مال المیت وان تجددت بعده یقضی منها دیونه ویخرج منها وصایاه. (کشف اللثام، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۲۸۱، به نقل از وبسایت معاونت حقوقی و امور مجلس).

۱۲. به عنوان مثال: نظر مشورتی مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲ به شماره ۷/۴۸۰۷ موضوع پرونده شماره: ۱۷۲۲-۱۸۷/۳-۱۹۹۰-۱۹ سوال: آیا دیه متوفی که توسط ولی دم دریافت شده است، جزء ماترک متوفی محسوب است یا خیر؟ ثانیاً: چنانچه پاسخ



۴- بررسی تحقق شرایط تهاتر بین دیه متوفی و طلب زیان دیده

از آنچه تا اینجا گفته شد به این نتیجه رسیدیم که ترکه شخصیت حقوقی دارد و حکم محکومیت متقابل نیز حکمی اعلامی است و کاشف از ثبوت دیه و جبران خسارت بر ذمه طرفین است. فرض مورد بحث این بود که در حادثه‌ای فردی باعث ورود خساراتی بر شخصی می‌گردد و آن شخص هم مرتکب قتل غیر عمد وی می‌گردد. دیدیم که دیه قتل در زمان فوت بر عهده قاتل قرار می‌گیرد و جبران خسارات هم در زمان ورود خسارت بر ذمه متوفی قرار گرفته است. حتی اگر متوفی پس از ورود خسارت (و نه همزمان با آن) فوت نموده باشد، در زمان فوت، دو دین در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. می‌خواهیم ببینیم این دو دین با یکدیگر تهاتر می‌شوند یا خیر. همان‌طور که گفتیم، برخی بر این باورند که در چنین مواردی نیز، پرهیز از تهاتر ناروا رجحان دارد.^{۱۳} باید دید با مقدماتی که تاکنون بیان شده، آیا شرایط تهاتر محقق است یا خیر.

حقوق دانان هشت شرط را برای تحقق تهاتر قهری نام برده‌اند که تحقق برخی از این شروط در تهاتر روشن است و برخی نیاز به بررسی بیشتری دارند. این هشت شرط عبارت‌اند از: ۱- دو شخص در برابر یکدیگر هم طلبکار و هم بدهکار باشند. ۲- موضوع دو دین کلی باشد. ۳- جنس موضوع دو دین یکی باشد. ۴- زمان تأدیة دو دین یکی باشد. ۵- مکان تأدیة دو دین یکی باشد. ۶- هر دو دین آزاد باشند. ۷- دعوی هر دو دین قابل استماع باشد. ۸- دو دین تقابل داشته باشند.^{۱۴}

تحقق چهار شرط دوم در موضوع مورد بحث محرز است و در ادامه به بررسی بیشتر تحقق چهار شرط نخست می‌پردازیم.

مثبت باشد و همسر متوفی مهریه خود را مطالبه کند و متوفی ماترکی نداشته باشد، آیا اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در مورد ولی دم که به‌عنوان وارث متوفی به پرداخت مهریه از ماترک محکوم شده و حاضر به پرداخت دین از محل دیه نباشد، قابل اعمال است یا خیر؟ پاسخ: با توجه به اینکه دیه جزء ماترک متوفی است و دیون متوفی از جمله مهریه زوج باید ابتدا از ترکه استیفا شود، بنابراین در فرض استعلام اگر ورثه یا قبول ترکه (گرچه منحصر به دیه باشد) و به رغم آنکه نسبت به سهم‌الارث خود به پرداخت مهریه زوج متوفی محکومیت یافته‌اند، از ادای محکوم‌به امتناع نمایند با جمع شرایط مقرر در اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بلامانع است.

۱۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، صص. ۴۱۶-۴۱۹.

۱۴. شهیدی، مهدی، همان، صص ۱۷۳-۱۷۹.



۱. دو شخص در برابر یکدیگر هم طلبکار و هم بدهکار باشند

منظور این است که تهاتر منحصراً بین دیونی واقع می‌شود که بر عهده هریک از دو شخص در برابر دیگری است^{۱۵} و در نتیجه اگر شخصی به محجوری بدهکار و از ولی یا قیم او طلبکار باشد، نمی‌تواند برای سقوط تعهد خود به تهاتر استناد نماید. واضح است که در فرض مورد بحث، این شرط محقق است و با قبول و اثبات وجود شخصیت حقوقی ترکه، احتمالاً تهاتر باید بین ترکه متوفی از یک طرف و زیان دیده از طرف دیگر محقق گردد.

۲. موضوع دو دین کلی باشد

دو تعهد هنگامی با تهاتر ساقط می‌شود که موضوع هر دو دین کلی، یعنی قابل انطباق بر افراد متعدد باشد مانند پول با پول یا گندم با گندم.^{۱۶} پس اگر موضوع آن دو عین معین، یا موضوع یکی از آن دو کلی و دیگری عین معین باشد، تهاتر حاصل نمی‌شود. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌گردد این است که درست است که موضوع جبران خسارات طبق روح قوانین و رویه محاکم پرداخت مبلغی پول با نظر کارشناس و... است، اما موضوع دیه در شرع مقرر شده و در اصل دادن شتر و... بوده است. همچنین در آرای محاکم نیز نهایتاً شخص را به پرداخت دیه مطابق نرخ مصوب آن محکوم می‌نمایند، اما این پرداخت از باب تقویم دیه به وجه رایج و جلوگیری از تشتت در اجرای احکام بوده است.

در ماده ۴۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۹۳۴ مقرر گردید: «موارد دیه کامل همان است که در مقررات شرع تعیین شده است و میزان آن در ابتدای هر سال توسط رئیس قوه قضاییه به تفصیل بر اساس نظر مقام رهبری تعیین و اعلام می‌شود.»

منظور این ماده از مقررات شرع همان مورد دیه‌ای است که در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سابق ذکر شده بود.^{۱۷} در نتیجه در قانون جدید نیز، علیرغم اینکه

۱۵. شهیدی، مهدی، همان، ص ۱۷۳.

۱۶. شهیدی، مهدی، همان، ص ۱۷۵.

۱۷. ولیدی، محمد صالح، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، نشر جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲، ص ۷۳۸.



تعیین میزان دیه به ریاست قوه قضاییه واگذار شده و به نوعی تعیین آن برای استفاده قضایی مجاز شناخته شده است، اما با توجه به صدر ماده مذکور، باید گفت که هنوز هم انتخاب نوع دیه پرداختی از میان اقلام شش گانه مذکور ممکن است و پرداخت دیه اجباراً به صورت پول نیست.

نتیجه‌ای که از مباحث گذشته به دست می‌آید این است که اگر جانی از اقلام شش گانه در صورت عدم تعذر تهیه آن‌ها یکی را انتخاب نموده باشد، دیگر موضوع دو دین کلی نیست و نتیجتاً تهاتر منتفی می‌گردد. اما اگر به هر علت، پرداخت دیه به صورت وجه رایج انتخاب شده باشد، با حصول سایر شرایط، تهاتر قهراً رخ خواهد داد.

۳. جنس موضوع دو دین یکی باشد

طبق ماده ۲۹۲ قانون مدنی، تهاتر قهری صرفاً بین دو دین واقع می‌شود که موضوع آن‌ها از یک جنس باشد. اگرچه در صورت عدم یکسان بودن جنس دو دین، طرفین می‌توانند با توافق، جنس یکی از دو تعهد را به وسیله تبدیل تعهد از طریق تبدیل موضوع تعهد، به جنس دیگری تبدیل کنند تا بین دو دین تهاتر حاصل گردد. وحدت جنس دو تعهد هم در موضوع مورد بحث، به گونه‌ای با کلی بودن موضوع دو دین مرتبط است که در قسمت قبل به تفصیل بدان پرداختیم.

۴. زمان تأدیة دو دین یکی باشد

مطابق ماده ۲۹۲ قانون مدنی بین دو دین هنگامی تهاتر حاصل می‌شود که زمان تأدیة آن دو یکی باشد.

در فرض مورد بحث، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا اگر خسارت بر زیان دیده، که قاتل نیز هست، وارد گردد و مدتی پس از ورود خسارت، زیان زنده بر اثر عوارض ناشی از همان سانحه فوت نماید، چون زمان تحقق دیه و خسارت دو زمان متقابل بوده است، شرط وحدت زمان تأدیة وجود ندارد؟

حقوق دانان معتقدند «در صورتی که یکی از دو دین حال و دیگری مؤجل باشد، تهاتر حاصل نمی‌شود، مگر اینکه دینی که باید زودتر پرداخت شود تا انقضای مهلت



دین دیگر تأدیه نشده باشد. در این صورت تهاتر واقع خواهد شد.^{۱۸} باتوجه به مراتب مذکور، این امر مانعی برای تهاتر نیست.

نتیجه گیری

باتوجه به آنچه گذشت، به نظر می‌رسد مطابق روح و ظاهر قوانین جاری و رویه جاری محاکم، ترکه شخصیت حقوقی دارد. لذا اگر طلبکار از متوفی، پس از فوت وی خسارتی به اموال متوفی وارد نماید، به علت شخصیت حقوقی که ترکه دارد و بدین علت که ترکه وثیقه طلب تمام طلبکاران است، واردکننده زیان باید خسارت وارده را پرداخت نماید و سپس برای طلب خود، در صورتی که ترکه کفایت طلب تمام طلبکاران را نماید، به مدیر تصفیه مراجعه نماید و در صورت عدم تکافوی ترکه، به نسبت طلب خود از ترکه به وی پرداخت خواهد گردید.

اما در حالتی که شخصی طلبی از دیگری داشته باشد و سپس همان شخص به صورت غیر عمد باعث قتل وی شود و در نتیجه دیه بر وی ثابت گردد، مسئله این است که باتوجه به اینکه ثابت شد که از لحاظ فقهی دیه جزء ماترک متوفی است، آیا دیه در ماترک وارد می‌گردد و طلبکار نیز باید دیه را بپردازد و برای خسارت خود در جمع طلبکاران قرار گیرد یا نه، طلب وی با بدهی وی بابت دیه تا سقف میزان کمتر تهاتر می‌گردد؟

پاسخی که پس از انجام این تحقیق به نظر می‌رسد قابل قبول باشد، این است که به شرط اینکه نوع دیه انتخابی قاتل پول باشد و نه شتر و... و باتوجه به توضیحاتی که در شروط تهاتر گذشت و نظر به اینکه حکم جبران خسارت و پرداخت دیه هر دو ناظر به زمان تحقق خسارت و فوت می‌باشند، باید گفت در لحظه فوت بدهکار، دیه وی بر عهده طلبکار مستقر می‌گردد و در همان لحظه، قبل از اینکه دیه وارد ترکه گردد، تمام شرایط تهاتر مهیا بوده و تهاتر قهراً رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، تهاتر مانند نگهبانی بر درگاه ورودی ترکه متوفی قرار گرفته و مانع از ورود دیه به

۱۸. شهیدی، مهدی، همان، ص ۱۷۶.



ترکه می‌گردد و دو دین به‌اندازه مبلغ کمتر تهاتر می‌گردند و در صورتی که از دیه چیزی باقی بماند، وارد ترکه می‌گردد.

جهت ابرام استدلال مذکور باید افزود که اگر در مقام تحیر، ندانیم که واقعاً تهاتر قبل از ورود کل دیه در ما ترک رخ داده است، و لازم نیست قاتل کل دیه را پرداخت نماید و می‌تواند خسارات خود را از دیه کسر نماید (لزوم پرداخت مبلغ کمتر) یا اینکه تهاتر واقع نگردیده و قاتل باید تمام دیه را پرداخت نماید (لزوم پرداخت مبلغ بیشتر) و برای خسارات خود وارد صف طلبکاران گردد، باید در مقام تردید بین اقل و اکثر، حکم به پرداخت اقل صادر نمود و نسبت به مابه‌التفاوت اقل و اکثر برائت جاری ساخت. اگر هم قاتل به ورود دیه در ترکه و عدم تهاتر در لحظه فوت باشیم، باید گفت به علت اینکه فلسفه بنیادین تهاتر، فایده تأمین آن است، اگر قاتل به این باشیم که دیه وارد ترکه گردد و قاتل برای جبران خسارات خود در ردیف سایر طلبکاران قرار گیرد، تفسیری مخالف فلسفه تأمین تهاتر بوده و باید در اینجا نیز قائل به تهاتر شد و این‌گونه استدلال نمود که رابطه مقررات تهاتر با مقررات قانون امور حسبی خروج موضوعی است.

منابع

۱. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج ۱، چاپ ۳۳، انتشارات الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۱.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ارث، گنج دانش، ۱۴۰۱.
۳. حسینی عاملی، محمدجواد، مفتاح الكرامه، ج ۸، مؤسسه نشر الإسلامی، ۱۳۹۱.
۴. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ ۶، نشر مجد، تهران، ۱۳۹۰.
۵. کاتوزیان، ناصر، درس‌هایی از شفعه، وصیت و ارث، چاپ یازدهم، نشر میزان، تهران، پاییز ۱۳۸۸.
۶. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ ششم، نشر میزان، تهران، تابستان، ۱۳۹۱.



۷. ولیدی، محمد صالح، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، نشر جنگل، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.

۸. Philip R. Wood, English and international set-off, London Sweet and Maxwell, ۱۹۸۹.

